

کار روح القدس در کلیسا

نویسنده: فرانک والانس

افسیان ۱۱:۲

اول قرنیتان ۹:۳

اول قرنیتان ۱:۱۲

از آنجایی که موضوع ما کار روح القدس در کلیساست ابتدا باید بدانیم که " کلیسا چیست؟" در همه شهرهای بزرگ تجمع های متعددی از ایمانداران با نام های متفاوتی وجود دارند. همه کسانی که با این گروه ها در ارتباط هستند آنها را کلیسا و خود را اعضای آن می دانند. تحقیق ما در این باره کمک خواهد کرد تا در یابیم که تصور ما درباره کلیسای خدا، دور از حقیقت است. تنها یک کلیسا وجود دارد و ما می خواهیم از خدا بطلبیم تا با پیوستن به این کلیسا، شکوه و جلال آن را دریابیم. شکی نیست که اعضای این کلیسا بسیار راستگو و صادق هستند ولی به جای استفاده از افکار انسانی بیایید تا در مورد کارهای خدا از کلام او هدایت شویم. با وجود اینکه کلام خدا بینهایت رک و صادق است و قوانین او قدیمی و باستانی است ولی برای وعده ها و حقایقی که او می داند هیچ حد و اندازه ای وجود ندارد. شاید گستاخانه به نظر برسد ولی ما ایمان داریم که این حقیقت است و تنها باید توسط کلام خدا هدایت شویم.

کتاب مقدس از تصاویر و تمثیل هایی استفاده می کند تا ما را با واقعیت کلیسا آشنا سازد. در رابطه کلیسا با مسیح اولین تصویر یک بدن می باشد. همه ما می دانیم که بدن انسان نمایانگر یک شخص است. بدن انسان همه فکرها، احساسات و آرزوهایش را نشان می دهد. به همین دلیل است که کتاب مقدس از این تصویر یعنی بدن مسیح استفاده کرده است. همچنین کلیسا را به عروس تشبیه می کند تا ما درک کنیم که مسیح تا چه اندازه به جماعت خود می اندیشد، چه محبتی نسبت به آن دارد و تا چه حد آن را زیبا می بیند. و اینکه کلیسا در مقابل مسیح چگونه باید عمل نموده و چگونه او را محبت نماید. " روح و عروس می گویند بیا. " مثال مروارید نیز به کار برده شده است تا نشان دهد تا چه اندازه کلیسا برای مسیح با ارزش و گرانبه است. آن قدر با ارزش که همه وجود خود را داد تا آن را به دست آورد. همچنین باز هم برای نشان دادن ارزش و تنوع زیبایی در کلیسا که مسیح را خوشنود می سازد از کلمه گنج استفاده شده است. در مورد خدا از تصویر یک خانه استفاده شده است و این ما را کمک می کند تا در یابیم که خدا در میان قوم خود ساکن است. خدا از ساکن بودن در میان قوم خود لذت می برد. کلیسا به معبد نیز تشبیه شده است جایی که خدا با همه جلال و قدوسیتش ساکن است و انسان ها بخشوده شده اند و می توانند به حضور او داخل شده و او را عبادت نمایند. همچنین از تمثیل شهر نیز استفاده شده است، جایی که در نهایت قوم خدا در حکومت جلال و شکوه او ساکن می شوند.

همه این مثال‌ها و تشبیه‌ها به کار برده شده‌اند تا ما حقیقت جماعت خدا و کلیسا را درک کنیم. من فکر می‌کنم بهتر است از واژه "جماعت خدا" استفاده کنیم زیرا همه ما به "کلیسا" عادت کرده‌ایم. این واژه ما را به یاد عمارتی با شکوه و مزین، همراه با ویژگی‌های معماری می‌اندازد. به طور کلی ما به کلیسا وابسته شده‌ایم ولی کلام خدا در عهد جدید توجه ما را به سوی جماعت کلیسا معطوف می‌کند. من معتقدم کلام خدا بهترین وسیله‌ای است که مفهوم کلیسا و جماعت خدا را روشن می‌سازد. جماعت خدا اشخاصی هستند که دعوت شده‌اند تا خواسته‌ها، آرزوها و مشغولیت‌های این دنیا را ترک کرده و قوم خدا باشند تا او بتواند در میان آنها ساکن شده و کار کند. همانطور که ابراهیم از اور حران دعوت شد تا پدر امت‌های بسیار گردد و یا اسرائیل از مصر بیرون آورده شد تا قوم برگزیده خدا بوده و در سرزمین اسرائیل یعنی سرزمین موعود ساکن شوند. امروزه نیز به همین صورت انسان‌ها دعوت می‌شوند.

از زمان پنطیکاست انسان‌ها دعوت شده‌اند تا طریق‌ها و آرزوها و خواسته‌های این دنیا را ترک کرده و اراده خدا بر آنها حاکم باشد و بوسیله روح القدس به کلیسای بیبوندند تا مایه خوشی و لذت خدا باشند.

در حال حاضر همه اینها بسیار ساده به نظر می‌رسند ولی زمانی که بخواهیم در مورد جزئیات این موضوع مطالعه نماییم با پیچیدگی‌های بسیاری مواجه می‌شویم ولی همچنان برای درک این حقیقت عالی و باشکوه می‌کوشیم. در ابتدا همه چیز کاملاً واضح و مشخص بود. یهودیان و بت پرستان وجود داشتند و خدا از میان این دو گروه با مژده نجات انسان‌ها را به سوی خود دعوت کرد. با یک هدف مشترک یعنی ایمان به مسیح و یک نیروی مشترک یعنی قدرت روح القدس، آنها را به یک گروه به هم پیوسته تبدیل کرد، با خواسته‌ها و تمایلات مشترک و با ذاتی مشترک زیرا که همه ما جزئی از ذات خدا هستیم. خدا جماعت خود را بنا نمود و علیرغم همه پیچیدگی‌ها، همه مخالفت‌ها و همه موانع این جماعت، محلی بود که خدا در آن ساکن شد و هم اکنون نیز ساکن است و به واسطه قدرت و حضور روح خدا همچنان باقی خواهد ماند.

اگر ما درباره گناهانمان نگران هستیم، نمی‌توانیم از حضور خدا لذت ببریم. اگر ما به خاطر خصم و کینه تنها مانده‌ایم و یا به خاطر مقام‌ها و امتیازهای اجتماعی مان تنها و جدا شده‌ایم، نمی‌توانیم از حضور خدا لذت ببریم. با مرگ مسیح بر روی صلیب همه اینها باید کنار گذاشته شوند و ما باید جایگاه حقیقی خود را در حضور خدا بیابیم. زیرا ما یک هدف مشترک داریم و آن عیسی مسیح نجات دهنده و خداوند پر جلال ما است. ما یک قدرت مشترک نیز داریم و آن روح خداست. به این صورت خدا از ابزار خود استفاده کرده تا عمارت خود را بنا سازد. او از اشخاصی که کاملاً از گناه و مقام‌ها و امتیازهای اجتماعی آزاد شده‌اند، دعوت می‌نماید. بواسطه مرگ مسیح، انسان‌ها با دقت در همه جای این بنا گنجانده می‌شوند، همه در کنار هم قرار می‌گیرند تا این عمارت شگفت‌انگیز ساخته شود.

موضوع اصلی ما روح خداست و حالا تلاش خواهیم کرد تا نشان دهیم که روح خدا با چه روشهایی با کلیسا ارتباط برقرار می کند.

اولین اشاره ای که به خانه خدا شده است زمانی است که یعقوب از خانه دور شده بود. او رؤیایی می بیند. " پس یعقوب از خواب بیدار شد و گفت: البته یهوه در این مکان است و من ندانستم و او گفت: این نیست جزء خانه خدا. " پس سنگی را که در زیر سرش گذاشته بود با روغن مسح کرد. من معتقدم که این تصویری از مسح روح القدس می باشد تا اهمیت روح القدس در ارتباط با خانه خدا را برای ما خاطر نشان سازد.

وقتی به خیمه خدا توجه کنیم در می یابیم که این خیمه با همه ساختارش مطابق خواست و اراده خدا ساخته شد. همه قسمت ها مطابق دستورات خدا ساخته و در کنار هم قرار گرفتند. و پس از اینکه خیمه برافراشته شد، با روغن مسح گردید. باز هم اشاره ای به روح القدس می باشد. در رابطه با هیكل تأکید زیادی بر چوب زیتون شده است یعنی چوب درختی که روغن زیتون از آن گرفته می شود. با رجوع به عهد جدید می بینیم که چطور روغن مسح نشانه ای از روح القدس است. زمانی که پطرس در منزل کرنیلیوس موعظه می کرد گفت که عیسی با روح القدس و قوت مسح شده است. یوحنا در رساله اش به مقدسین می گوید: " مسح را یافته اید ". من معتقدم این نوشته ها به ما نشان می دهند که مسح شامل خود روح القدس و قدرت آن می باشد.

۲۰۰۰ سال پیش جماعت خدا با جاری شدن روح القدس تشکیل شد. همانطور که در قرن نهمین می بینیم " جمیع ما به یک روح تعمید یافته ایم. " حال بعد از ۲۰۰۰ سال ما چه می توانیم بگوییم؟ آیا خانه خدا وجود دارد؟ آیا بدن مسیح وجود دارد؟ آیا در این دنیا چیزی به نام عروس مسیح هست؟ آیا هیكل خدا وجود دارد؟ وجود و قدرت روح القدس تضمینی از سوی خداست که بدن مسیح و خانه خدا وجود دارد.

با وجود هلاکت و خرابی هایی که بی ایمانی و بی وفایی انسان بوجود می آورد، روح القدس تضمینی است از سوی خدا که خانه او برپاست. اگر این به ایمان انسان بستگی داشت، مدت ها پیش مقدسین توسط نیروهای دشمن هلاک شده بودند و شیطان موفق شده بود نام مسیح و کلام خدا را از بین ببرد. ولی روح خدا با شخصیت الهی اش در جماعت خدا حاضر است و خدا تضمین داده است که تا به آخر خواهد ماند. وعده های مسیح ضایع نخواهند شد. " او تا ابد با شما می ماند. "

در آخر باب دوم افسسیان دو بار به روح خدا در کلیسا اشاره شده است. در ابتدا رسول خدا نشان می دهد که با مرگ مسیح همه تفاوت ها و دشمنی ها مابین یهودیان و امت ها، از بین رفته است. هر شخص که به حضور خدای پدر داخل می شود باید با قدرت روح خدا این را پذیرفته و مطابق با آن رفتار نماید. روح، کسانی را که می خواهند توسط مسیح به خدا نزدیک شوند، قدرت می بخشد و این مایه خوشی اوست. دیگر احتیاجی به

شفیع آسمانی و یا زمینی باقی نمی ماند. دیگر احتیاجی به تشریفات و ترتیبات انسانی نداریم. توسط مسیح با خدا ارتباطی مستقیم داریم و روح القدس قوت می بخشد. هیچ گاه به این امتیاز به صورت شخصی نگاه نکنیم بلکه همیشه به خاطر بسپاریم که پسر و روح در کنار ما ایستاده اند تا ما را یاری داده با تواضع، احترام، آزادی و محبت، در عبادت و دعا و مشارکت به خدا نزدیک شویم.

در آیه ۲۲ از باب دوم افسسیان، پولس رسول حقیقت عالی ای را بیان می کند. خدا توسط روحش در میان مردم ساکن است. پطرس در اولین رساله اش در مورد عمارت روحانی سخن می گوید. خدا روح است و همانطور که سلیمان می گوید او در معبد های ساخته شده به دست انسان ساکن نمی شود بلکه در خانه ای ساکن خواهد بود که انسان ها همانند سنگ های زنده ای باشند که آن خانه را تشکیل داده اند. هر کس که به عیسی به عنوان نجات دهنده ایمان آورد و روح القدس را به عنوان هدیه ای بپذیرد، یک سنگ در این عمارت شگفت انگیز می باشد. این عمارت به عنوان کلیسا کاملاً حقیقی و در تمام جهان و در هر زمانی ثابت است. خدا هیچگاه نمی تواند در میان فساد و تباهی این جهان ساکن شود بلکه او در جایی خواهد بود که مسیح شناخته شده و حکمفرماست و جایی که روح به عنوان تنها قدرتی شناخته شود که برای عبادت و درک کلام خدا لازم است. سکونت خدا در روح همان ضمانتی است که تلاش های شیطان هیچ گاه نمی تواند این خانه را نابود کند.

با وجود همه اشتباهات انسان، کلام می گوید همه چیز و همه کس در مسیح و صاحب روح خدا می باشند، این در واقع هدف عالی ما را روشن می سازد و خوب است که ما جایگاه عالی و باشکوه مان را درک کنیم. حال وقتی به کتاب اول قرنثیان مراجعه می کنیم، گروه های متفاوتی را به عنوان کلیسا می بینیم. پولس در مورد جمعی از ایمانداران در قرنتس سخن می گوید. او این نامه را خطاب به آنها اینگونه می نویسد: "به کلیسای خدا که در قرنتس است." حال اگر این نامه خطاب به ریونیون نوشته می شد بهم ریختگی و حشمتناکی بوجود می آمد. پستیچی برای رساندن این نامه با مشکل مواجه می شد. من گمان می کنم اول به یک کلیسای اسقفی و بعد به جاهای دیگر مراجعه می کرد. توجه داشته باشید که شیطان چطور با گروه های متفاوتی که هر کدام خود را به عنوان یک کلیسا معرفی می کنند، بی نظمی و خرابی بوجود می آورد. این فکر ما را بر هم ریخته و درک این حقیقت ساده یعنی جماعت خدا و یک کلیسا یعنی کلیسای خدا را مشکل می سازد. ما چگونه به این حقیقت دست یابیم؟ باز هم بیابید در کلام خدا جستجو کنیم.

این نامه به قرنثیان برای گوشزد کردن شرارت های موجود بوده و پولس در کنار آن، حقایق را نیز بیان می کند. این حقایق برای اصلاح شرارتهایی است که او محکوم می کند. در باب ۳ او حقیقت بزرگی را در مورد هیکل خدا و روح او که در آن ساکن است بیان می کند. این حقیقت یعنی روح خدا باید بر رفتار آنها حاکم می بود. آنها باید فهمیده و مطابق با این حقیقت زندگی می کردند. چه آیه باشکوهی را در امثال سلیمان می بینیم: "شما هیکل خدا هستید و روح خدا در شما ساکن است." این کنایه ای است از معبد های بت پرستان و روح شریری که آنجا ساکن است.

روح خدای زنده در کلیسا ساکن است بنابراین رفتار ما باید مطابق با این حقیقت باشد. به نظر می رسد این حقیقت بزرگ به صورت بسیار ساده در افسسیان بیان شده است ولی در باب سوم قرنثیان به اقتدار و اجبار بیان شده است. اگر ما حقیقتا این امتیاز و ویژگی را درک کنیم که روح القدس همه ما را هدایت می کند و قدوسیت هیکل خدا را دریابیم یعنی جایی که او ساکن است و عبادت می شود، ما را در خدمت‌مان کمک خواهد کرد.

می خواهم مطلبی در مورد کار روح القدس در جماعت خدا که در باب ۱۲ از اول قرنثیان اشاره شده است بگویم. در این باب نوشته شده است که همه ما با یک روح در یک بدن تعمید یافته ایم. این اشاره ای است به نزول روح القدس در پنطیکاست جایی که نه تنها روح در یک شخص جاری شد بلکه هر شخص در یک مجموعه به هم پیوسته، در یک سازمان و در یک بدن تعمید یافت و با حضور و قدرت روح القدس در آن بدن باقی خواهد ماند.

بعضی از انسان ها ارواح پلیدی داشتند و رسول می گوید که هیچ روح پلیدی نمی تواند عیسی را خداوند بخواند همچنین هیچ شخصی نمی تواند عیسی را خداوند بخواند مگر با قدرت روح القدس. کسی که تحت قدرت روح خدا سخن گوید، هرگز نمی تواند عیسی را لعنت گوید. کلیسا، تجمع ایمانداران است جایی که مسیح جلال یابد.

عیسی در راه عموآس برای شاگردان وقایعی را که در کتب در مورد خودش بود تفسیر می کند. " پس با یکدیگر گفتند: آیا دل در درون ما نمی سوخت، وقتی که در راه با ما تکلم می نمود و کتب را بجهت ما تفسیر می کرد؟" این دقیقا کاری است که روح القدس (با استفاده از عطایا) در کلیسا انجام می دهد.

این تجربه ما بوده است و این نوع تجربه برای هر کسی که بخواید، اتفاق می افتد. و این آنچیزی است که دوست داریم در کلیسایمان بینیم. ما می خواهیم تا با هم در یک بدن فروتنانه به حضور خدا برویم تا آنجا روح القدس آزادانه کارهای مسیح را برای ما آشکار نماید و ما نیز او را جلال دهیم. ما می دانیم و تجربه کرده ایم که این اتفاق می افتد و تصویری دور از دسترس نمی باشد بلکه حقیقت است. ما می دانیم و خدا را شکر می کنیم که روح خدا آزاد است تا در میان ما آمده و عیسی را جلال دهد.

در باب های بعدی نوشته شده است که هرگاه شخص بی ایمانی در میان شما باشد از آنچه می بیند و می شنود تحت تأثیر قرار می گیرد، به زمین افتاده و خواهند گفت: " حقیقتا خدا در میان شماست." باشد که همه ما به کار گرفته شویم تا این اتفاق بیفتد.

همه ما چه پیر و چه جوان موظفیم تا خود را در حضور خدا بسنجیم و بینیم که تلاش های ما در چه جهتی و برای چه هدفی هستند. اگر هدف ما مقدس و نیکو نیست نباید برای رسیدن به آن تلاش کنیم. لازم است بدانیم که در هر جایی که خدا کار می کند، می خواهد حقیقت را برای مردمش آشکار سازد. او می خواهد مردمی را

ببیند که به سادگی و بدون خودنمایی و تحت هدایت روح القدس با هم جمع شده و با یک فکر و یک هدف و با هم صمیمانه کار و تلاش می کنند و جمعی را تشکیل داده اند، که روح خدا بتواند مسیح را جلال دهد.

آیا این هدف عالی تنها آرمانی خیالی است؟ آیا تنها برای این است که کلام خدا زیبا به نظر برسد؟ و یا واقعیت باشکوهی است که هم اکنون نیز وجود دارد؟ آیا امروز نباید این دعوت را پذیرفته و در شهر یا روستایی که خدا ما را قرار داده است، انجام دادن کلام خدا را هدف جدی و واقعی خود قرار دهیم؟ بیایید مژده نجات مسیح را اعلام کنیم ولی بیاد داشته باشیم که وقتی انسان ها نجات می یابند هدف ما این است که آنها نیز بخشی از هیكل خدا باشند. از آنها بخواهید تا با شما در این عمارت زنده قرار گرفته و وعده ای که مسیح در مورد کار روح القدس در کلیسا را عملی ساخته است، لمس نمایند.

و در آخر آیه ای که در حجی ۵:۲ می باشد را به یاد شما می آورم. زمانی که قوم در ضعف و گناه بودند خدا با آنها سخن گفت: " بر حسب کلام آن عهدی که در حین بیرون آوردن شما از مصر با شما بستم و چونکه روح من در میان شما قایم می باشد، ترسان مباشید."